

مقایسه رساله الطیر خاقانی، سنایی و نجم الدین رازی از منظر نمادپردازی پرندگان

سایه برین

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: sayehbarin1379@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله (۱۶۸-۱۵۱)
پیش از عطار، شاعران و نویسندگان مختلفی مبادرت به تالیف اثر از زبان مرغان کرده‌اند. عمده قریب به اتفاق این آثار در حدود اواخر قرن پنج تا اوایل قرن هفت تالیف شده‌اند و با وجود مشترکات فراوانی که تالیف این نوع اثر می‌طلبد، تفاوت‌های آشکاری نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. یکی از این تفاوت‌ها، در شیوه نمادپردازی پرندگان است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته رساله الطیر خاقانی، سنایی غزنوی و نجم الدین رازی از منظر نمادپردازی پرندگان با یکدیگر مقایسه می‌شوند چرا که در شیوه پرداخت، هدف نهایی و توصیفات آن‌ها تفاوت‌هایی مشاهده شد که آن‌ها را مستعد قرار گرفتن در مقام مقایسه تحقیق حاضر کرد. در این پژوهش دریافت شد که چطور تفاوت در نگاه و هدف تالیف این آثار در نهایت باعث تفاوت در نمادپردازی پرندگان شده است. رساله خاقانی شامل توصیفات بی‌نظیر است و به مدح حضرت رسول (ص) می‌انجامد. سنایی با محوریت توحید صحنه عبادت پرندگان را تصویر می‌کند و نجم الدین رازی، مدح وزیر وقت را از مسیر زبان مرغان نگاشته است، یعنی سبک هر شاعر نیز در منحصربه‌فرد بودن زبان مرغان و اهمیت ویژه‌ای داشته که در این پژوهش مرور شده است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ واژه‌های کلیدی: خاقانی، سنایی، نجم الدین رازی، منطق الطیر، نمادپردازی

۱. مقدمه

قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم، دوره منحصربه‌فرد و ویژه‌ای در تاریخ ادبیات فارسی محسوب می‌شود. یکی از وجوه تمایز این دوران با دیگر دوره‌های تاریخ ادبیات در آن است که نگاشتن قصه‌ها و مضامین عرفانی با اهداف مختلف تحت عنوان رساله‌الطیر، منطق‌الطیر و لسان‌الطیر، رواج قابل توجهی پیدا کرد. اگرچه در قرون پیش از این نیز نویسندگان از زبان مرغان مبادرت به تالیف آثار کرده بودند اما می‌توان گفت اکثریت قریب به اتفاق متون از زبان پرندگان در این دوره تالیف شده است.

۱-۱. بیان مسأله و سوالات پژوهش

افضل‌الدین بدیل بن علی نجار شروانی «معروف‌ترین شاعران قرن ششم و از نام‌آوران شعر فارسی است که در ۵۲۰ ه.ق در شروان به جهان آمده و در ۵۹۵ ه.ق درگذشته است.» (سجادی، ۱۳۷۳: ۹) مهارت خاقانی در وصف بی‌نظیر و بی‌بدیل است و مصداق این توانمندی در منطق‌الطیر او نیز قابل مشاهده است. «این شاعر استاد که مانند اکثر استادان عهد خود به روش سنایی در زهد و وعظ نظر داشته، بسیار کوشیده‌است که از این حیث با او برابری کند و در قالب قصائد حکمی و غزل‌های خود از آن استاد پیروی نماید و از مفاحرات او یکی آن است که خود را جانشین سنایی می‌داند و شاید یکی از علل این امر ذوق و علاقه‌ای باشد که در اواخر حال به تصوف حاصل کرده و به قول خود در سی سال چند چله نشسته بود.» (صفا، ۱۳۹۵: ۳۱۲) شیخ نجم‌الدین ابوبکر عبدا... بن محمد شاه‌اور اسدی رازی معروف به دایه و متخلص به نجم نیز نویسنده‌ای چیره‌دست است که اثری چند در زمینه عرفان به زبان فارسی و تازی تالیف کرده‌است. «نجم رازی به سال ۵۷۳ در شهر ری به دنیا آمد و در سال ۶۵۴ در بغداد درگذشت.» (ریاحی، ۱۳۸۸: ۱۰) «نثر نجم‌الدین دایه بسیار عالی است و کمتر نویسنده صوفی در این راه به پایه او رسیده‌است.

سخن او ساده و روان است و هرچند گاه منشیانه و تصنعی می‌نماید، ولی زیبا و دل‌انگیز است و از این جهت از دیرباز سخنش به عنوان نمونه خوب و نموداری از انشای استوار فارسی شناخته شده‌است. از سوی دیگر، شعر او در مرتبه دوم قرار دارد و نشاط و دل‌انگیزی و نوازش نثر او را ندارد.» (حلبی، ۱۳۹۴: ۴۶۳) دایه بیشتر اهل تصوف زاهدانه است تا عاشقانه و در منطق‌الطیر او که در ادامه به عنوان مشتی نمونه خروار مرور خواهد شد، می‌بینیم که در عرفان اهل توصیفات سطحی و ظاهری است و درباره او گفته‌اند که تفکرات متعصب‌گونه و سختگیرانه داشته‌است. دیگر شاعر این پژوهش یعنی حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی

غزنوی، به گواه قریب به اتفاق پژوهشگران شاعری جریان‌ساز است که ادب فارسی را به دو دوره قبل از خود و پس از خود تقسیم کرده‌است. «درباره نام و لقب او سخنان بسیار گفته‌اند ولی چیزی که به نقل کردن بی‌ارزد به دست نیامده. واژه سنایی، گویا از سنا به معنی روشنایی گرفته شده و نام شعری یا تخلص اوست، اما روشن نیست که چرا لقب سنایی داده شده است.» (همو، ۱۳۹۰: ۷) عارفان و شعرای بزرگ معمولاً در زندگی خود تحت تأثیر دو دوره فکری بوده‌اند که یک دوره مربوط به قبل از فناء فی‌... و یک دوره مربوط به بعد از آن است. برای سنایی می‌توان سه دوره متصور بود و میان دوران گذار از قبل به بعد یک زندگی خاکستری را در نظر گرفت. این تنوع تفکر، مضامین شعری او را بدیع و متنوع ساخته است. «سنایی نماینده برجسته نوعی از قصیده در زبان فارسی است که آن را باید قصیده نقد جامعه و زهد و عرفان و اخلاق خواند و در این میدان هیچ‌یک از استادان بزرگ قصیده به پای او نمی‌رسند، ضمن اینکه ممکن است هر کدام از آنان یک یا دو قصیده در این عوالم داشته باشند که تا حدودی به پایه قصاید او نزدیک شده باشد اما هیچ‌کس در این میدان، بهتر از او و استوارتر از او نسروده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۲)

در باب منطق الطیر هم باید گفت «نام دهد و عنوان منطق الطیر که هر دو از قرآن کریم^۱ و از قصه سلیمان نبی مأخوذست، سیمرغ را که رمزی از جانب احدیت است، در مجموع قصه مظهر کمال و جلال سلطانی قرار می‌دهد و این نکته را که مرغان در جستجوی خود برای پادشاه خویش به سوی او روی آرند توجیه می‌کند.» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۳) محمود فتوحی درباره نمادپردازی عرفانی می‌گوید: «از واژه‌های خاص صوفیان، تصویرهای نمادین در ادبیات عرفانی است. این تصویرها که غالباً نام عناصر و پدیده‌های طبیعی و حسی‌اند هر کدام رمزی از ایده‌های ناگفتنی عارف و کلید اشارت به دریافت‌ها و معانی غیبی صوفی شاعر هستند. نمادپردازی در شعر فارسی تقریباً با سنایی رسمیت یافت. پیش از وی در شعر شاعران عارف کاربرد این گونه تصاویر نمادین بسیار اندک است، اما همین تصاویر ریشه در سنت ادبی پیش از وی دارد، بنابراین نمادپردازی در ادبیات صوفیه یک‌باره و ارتجالاً در آثار سنایی غزنوی یا دیگران پدید نیامده‌است بلکه شاعران عارف برای رمزسازی از میراث ادبی کهن بهره‌های بسیار گرفته‌اند.» (فتوحی، ۱۴۰۱: ۲۱۴-۲۱۳)

^۱ وَوَرِثَ سَلِيمَنُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَظِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِّنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ/نمل، ۱۶

به دلیل شهرت وافر منطق‌الطیر عطار به سایر زبان مرغان هم‌عصر با این شاعر نابغه توجه کمتری شده‌است. همین امر اهمیت انجام پژوهش پیرامون منطق‌الطیرهای کمتر شناخته شده نزد پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی و حتی عوام جامعه را ضروری می‌نماید. سنایی، خاقانی و نجم‌الدین رازی با استناد به تفاوت‌های غیرقابل انکاری که در تفکرات و سبک آثار خود دارند، باید دارای تفاوت‌هایی در رساله‌الطیرهای خود نیز باشند. نمادپردازی، قصه‌ای که تعریف می‌شود و هدفی که از نگارش منطق‌الطیر دنبال شده‌است، مهم‌ترین تفاوت‌هایی است که باید از این بررسی دریافت شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی آثار و اثبات لزوم این تفاوت‌هاست.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

منطق‌الطیر سنایی، منطق‌الطیر خاقانی، منطق‌الطیر عطار، رساله‌الطیر احمد غزالی، روضه‌الفریقین ابوالرجاء چاچی، صفیر سیمرغ شهاب‌الدین سهروردی، رساله‌الطیور نجم‌الدین رازی و کشف‌الاسرار عن حکم‌الطیور والازهار از عزالدین مقدسی، نمونه‌های آثار تالیفی با این مضمون در این دوره‌اند.

بدیهی است که جهت روایت داستان با مضامین عرفانی و اهداف مشخص از زبان پرندگان، اشراف به نمادپردازی و جان‌بخشی به حیوانات در این مولفان ضروری بوده است. در آثار سنایی، خاقانی و نجم‌الدین رازی نگاه و شیوه پرداخت جالب توجهی دریافت شد که هدف اصلی این پژوهش نیز قرار گرفته است. در واقع پژوهشگر سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که وجوه تمایز نمادپردازی پرندگان در منطق‌الطیر سنایی، خاقانی و نجم‌الدین رازی چیست؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

در این زمینه پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل نقش پرندگان در ادبیات منظوم با تاکید بر منطق‌الطیر عطار، قصاید خاقانی و قصاید سنائی»، توسط یدا... سهرابی شهر بابک انجام شده و نیز پنج پژوهشگر، زبان مرغان شاعران مورد مطالعه تحقیق پیش‌رو را بررسی کرده‌اند که از این قرار هستند: راضیه سلمانپور (۱۳۹۳) به «مقایسه منطق‌الطیر عطار و منطق‌الطیر خاقانی» پرداخته است. سعید فرزانه‌فرد و فرزانه دستمرد (۱۴۰۰) به «بررسی مقایسه‌ای زبان نمادین در آثار عرفانی رساله‌الطیر ابن‌سینا و منطق‌الطیر عطار» پرداخته‌اند. سارا زارع جیره‌نده (۱۳۹۴) در پژوهشی «مقایسه منطق‌الطیر عطار نیشابوری با رساله‌الطیر ابن‌سینا» را کاویده است. پیوند بالانی (۱۳۸۴) «مقایسه تطبیقی منطق‌الطیر سنایی، خاقانی و عطار» را مورد بررسی قرار داده و نیز زینب شیخ‌حسینی و مریم جعفرزاده (۱۴۰۰) «وجوه

تشابه و تمایز پرنده‌نامه‌های ابن‌سینا، غزالی و نجم رازی براساس نظریهٔ کمبل» به بررسی نشسته‌اند. علی راستگو (۱۴۰۲) در «واکاوی نگاه عرفانی مولانا به نماد طوطی در غزلیات شمس» هم نمونهٔ مختصری از تحلیل پرندهٔ طوطی در شعر فارسی است. همان‌طور که مشاهده شد در هیچکدام از این پژوهش‌ها زبان مرغان خاقانی، سنایی و نجم رازی با هم در مقام مقایسه قرار نگرفته‌اند و بسترهای متنوعی برای مطالعه انتخاب شده که مقایسه این آثار از منظر نمادپردازی پرندگان، در این میان نوآور است و پژوهشگر جای خالی آن را احساس کرد.

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و از طریق متن‌خوانی و فیش‌برداری انجام شده و جامعهٔ آماری آن شامل آثار سنایی، خاقانی و نجم‌الدین رازی است. منطق‌الطیر خاقانی دربردارندهٔ ۶۶ بیت، منطق‌الطیر سنایی ۴۶ بیت و رساله‌الطیر نجم‌الدین رازی حجم نمونه این پژوهش‌اند.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. زبان و ادبیات فارسی در قرن ۵ تا ۷

زبان و ادبیات فارسی در دورهٔ زندگی شاعران مورد مطالعهٔ این پژوهش دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در شکوفایی انواع منطق‌الطیر در این زمان بی‌تاثیر نبوده‌است. باید تاکید کرد که خط‌کشی قطعی بین قرون و اعصار و یک جریان فکری، امری غیرممکن است اما می‌توان به‌طور کلی مباحثی را مورد بررسی قرار داد. «واضح است که بحث در این موضوع، بحث تقریبی خواهد بود. به این معنی که از روی دقت و تحقیق و به طور مطلق نمی‌توان برای هر قرنی خصوصیتی قائل شد که در بین جمیع عرفای ممالک اسلامی صدق کند و صفت ممیزه آن قرن شمرده شود.» (غنی، ۱۴۰۰: ۴۰۵) درخصوص قرن پنجم می‌توان گفت «قرن پنجم قرن تسلط ترک‌های سلجوقی بر ممالک ایران و دورهٔ شیوع تعصب و خرافات و سرگرمی به ظواهر شرع و نزاع‌های مذهبی بین فرق مختلف اسلامی و دشمنی اهل علم با یکدیگر و غلبه ظواهر خشک بر فلسفه و بحث علمی آزاد و استخدام علم و دانایی برای منظور مجادلات مذهبی و محدود ساختن مباحث علمی است به احساسات مذهبی.» (همان، ۴۰۶) غنی دربارهٔ قرن شش نوشته‌است: «کلیاتی که راجع به قرن پنجم ذکر شد بر این قرن نیز صادق می‌آید. حتی تعصب و تنگ‌نظری و نفوذ مذهب در فلسفه و علم اشتداد می‌یابد و خرافات و جهل و جدل و زدوخورد بین اصحاب و مذاهب بیشتر شایع می‌شود و اضافه بر جنگ و نزاع‌های داخلی جنگ‌های صلیبی هم در بسیاری از ممالک سبب زحمت مسلمان‌ها

می‌شود و قریب دو قرن یعنی از اواخر قرن پنجم تا اواخر قرن هفتم متناوبا ممالک اسلامی مخصوصا ایالات مجاور بحرالروم مورد هجوم و قتل و غارت واقع می‌شود و سبب ضعف و ناتوانی مرکز خلافت اسلامی و تشکیل شدن حکومت‌های نیمه مستقل و رقابت و زدوخورد امرای ایالات مختلفه با یکدیگر می‌گردد و زمینه فساد و انقراض و اضمحلال را تهیه می‌کند و کار انحطاط تمدن اسلامی و ضعف اخلاقی و عقلانی به جایی می‌رسد که با حادثه هجوم مغول در قرن هفتم به انقراض مرکز خلافت و ویرانی ممالک اسلامی منتهی می‌گردد.» (همان، ۴۰۶) این تحقیق در ادامه می‌افزاید: «تصوف قرن هفتم، دنباله همان تصوف قرن پنجم و ششم است که با ظهور بعضی از بزرگان عرفا مخصوصا محی‌الدین ابن‌العربی و جلال‌الدین رومی به کمال نظر و پختگی رسیده است.» (همان، ۴۳۴) «شعر پارسی در نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم تا آغاز قرن هفتم از همه حیث در مراحل کمال و مقرون به تنوع و تحول بوده‌است. نخستین امری که در شعر پارسی این عهد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد آن است که سبک شعر پارسی در این دوره در سیر تکاملی خاصی قرار گرفته بود.» (صفا، ۱۳۹۵: ۲۰۱) یک نکته قابل توجه در این دوره، تقلیدی است که شاعران از سبک و محتوای شعری یکدیگر می‌کرده‌اند. «این شاعران غالبا در گویندگان بعد از خود موثر شدند و هر یک عده‌ای را دنبال خود به راه انداختند. مثلا اثر ابوالفرج رونی مستقیما در دیوان انوری مشهود است و شیوه سنایی به درجه‌ای از کمال ارتقاء جست که مطلقا با شاعران پیش از او قابل مقایسه نیست زیرا او زهد و وعظ و افکار صوفیانه و زاهدانه را با منطق حکیمانه در آمیخت و در قالب سخنان فصیح، پرمغز و منتخب خود ریخت. این عوامل درک سخن سنایی را در بعضی از موارد دشوار ساخته و باعث شده‌است که بر بعضی از ابیات او شرحی نوشته شود. منظومه‌های سنایی به خصوص منظومه سیرالعباد و حدیقه‌الحقیقه دارای ابیاتی است که جز با اطلاع کامل از حکمت و یک دوره علوم مذهبی و علوم معقول غیر قابل حل است. روشی که سنایی در اشعار زاهدانه و عارفانه پیش گرفت پیش از او مورد تقلید شاعران قرن ششم واقع شد و مانند آن است که استادان بزرگ قرن ششم برای تشبه به این شاعر توانا می‌کوشیدند قصاید و غزل‌های او را تقلید کنند و یا در همان راه که او وارد شده بود درآیند. مثلا خاقانی که در قصاید و غزل‌های خود نظر کامل به سنایی دارد خود را جانشین وی می‌داند» و می‌گوید:

چون فلک دور سنائی درنوشت آسمان چون من سخن‌گستر بزد

(همان، ۲۰۳)

۲-۲. منطق الطیر خاقانی

منطق الطیر خاقانی قصیده‌ای منحصربه‌فرد است. موضوعی که شاعر صبح در این شعر پرداخته بدیع است و به آنچه که شاعران دیگر معمولاً تحت عنوان منطق الطیر پرداخته‌اند تفاوت دارد و قصه‌ای که خاقانی تعریف می‌کند به قصد متفاوتی و با سرانجام دیگری است. مثلاً در منطق الطیر احمد غزالی و عطار نیشابوری قصه اجتماع مرغان برای نیل به سیمرغ که نماد و مظهر خداوند است را می‌خوانیم یا مثلاً سنایی، عبادت پرندگان را به تصویر کشیده است. روش خاقانی اما دیگر است. منطق الطیر خاقانی دارای ۶۶ بیت و دو مطلع است. مطلع اول دارای ۱۲ بیت و باقی، مطلع دوم است. در مطلع اول توصیف بهار و کعبه را می‌خوانیم و در مطلع دوم پس از کمی توصیف مجدد، مناظره مرغان آغاز می‌شود. موضوع گفتگوی پرندگان آن است که کدام یک از عناصر طبیعت در بهار جلوه زیباتر و جذاب‌تری دارند. چون نمی‌توانند به جمع‌بندی و توافق برسند، تصمیم می‌گیرند در بارگاه سیمرغ حضور یابند و از او بخواهند که بگوید نظر کدام یک صواب است. انتظار خواننده آن است که سیمرغ پاسخ دهد که تمام طبیعت جلوه خداست و هیچ عنصری از عنصر دیگر برتری ندارد اما پاسخ سیمرغ غافلگیرکننده است؛ او گل محمدی را به سبب آنکه در حدیث نبوی آمده است: *أَلْوَرْدُ الْأَحْمَرُ مَنِّيْ بَرْتَرُ* می‌داند. «عرق محمد مصطفی (ص) بر خاک افشاندن شده و گل محمدی رویده است. در دیوان کبیر مولانا آمده است:

اصل و نهال گل عرق لطف مصطفاست زان صدر بدر گردد آنجا هلال گل
(سجادی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

گرچه همه دلکشند، از همه گل نغزتر کو عرق مصطفاست و این دگران خاک و آب
یکی از «رویکردهای مهم در دیوان خاقانی اثرپذیری الهامی بنیادی است. شاعر در این رویکرد پایه و بنیاد سخن را از آیه و حدیث اخذ می‌کند. ۳۰ درصد تاثیرات خاقانی از قرآن و حدیث الهامی بنیادی است. این الهام گاه از وضوح خاصی برخوردار است و به نوعی ترجمه خیلی آزاد محسوب می‌شود و گاه بسیار بعید و دور از ذهن است و با تامل می‌توان دریافت که خاقانی متأثر از آیه و حدیث است.» (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱) همچنین باید گفت: «خاقانی در رویکرد الهامی بنیادی عمدتاً اسنادهایی را می‌آورد که کلیدواژه این اسنادها برگرفته از قرآن و حدیث است؛ به گونه‌ای که باید آن را ترجمه خیلی آزاد از آیات و احادیث به شمار آورد.» (همان، ۱۱) سپس این قصیده با مدح حضرت رسول (ص) به پایان می‌رسد. هدف خاقانی از پرداخت این قصیده، گرمی داشت مقام خاتم‌النبین است و به آن سرانجام معمول و مورد انتظار منطق الطیر که لزوم فنا و بی‌خودی برای غرق شدن در حضرت حق است، نگاهی نداشته

است. «ستایش پیغامبر و کعبه زمینه‌ای گسترده از سخن خاقانی را در بر می‌گیرد. بلندترین و شیواترین ستایش‌ها از این دو، در پهنه ادب پارسی از آن اوست. شاعر شروان، چوان باورمندی پرشور، پیامبر را می‌ستاید و کعبه را بزرگ می‌دارد.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۲۰۱) مناظره پرندگان در منطق‌الطیر ۶۶ بیتی خاقانی، از بیت ۲۵ آغاز می‌شود. پیش‌چنین مجلسی مرغان جمع آمدند شب شده بر شکل موی، مه چو کمانچه رباب پرندگان منطق‌الطیر خاقانی از این قرارند: فاخته/ بلبل/ قمری/ ساری/ صصل/ تیهو/ طوطی/ هدهد/

فاخته: اولین پرنده‌ای است که مناظره را آغاز می‌کند. فاخته گفت از نخست مدح شکوفه که نحل سازد از آن برگ تلخ مایه شیرین لعاب محمدرضا شفیعی کدکنی در بیان ویژگی‌های فاخته تصریح کرده‌است: «مرغ کوکو پرنده‌ای است که به صدای خوش مشهور است و با مردم کمتر انس می‌گیرد و به دروغ‌گویی شهرت دارد. در عربی مثل است که «أَكْذَبُ مِنْ فَاخْتَه» یعنی «دروغگوی تر از فاخته» و در وفا و مهر ناپایدار توصیف شده‌است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۷۵) حتی بدون علم به ویژگی‌های فاخته نیز مبرهن است این پرنده، شخصیت منفی منطق‌الطیر خاقانی است. فاخته در مقابل سیمرغ گردن‌کشی می‌کند. فاخته گفت آه من کَلَّةٌ خضرا بسوخت حاجب این بار کو؟ و نه بسوزم حجاب مرغان بر در به پای، عنقا در خلوه جای فاخته با پرده‌دار گرم شده در حجاب همچنین خالی از لطف نیست بار دیگر به استدلال فاخته در دفاع از شکوفه دقت کنید. در دفاع فاخته از شکوفه نوعی منفعت‌طلبی برداشت می‌شود. در واقع معتقد است شکوفه رجحان دارد چرا که زنبور عسل از گلبرگ تلخ آن مایعی برای عسل می‌سازد. بلبل: گفتیم که مناظره پرندگان از بیت ۲۵ آغاز شده‌است، اما پیش از این در بیت ۱۷ در خلال توصیف طبیعت، بلبل توصیف می‌شود. مرغان چو طفلکان ابجدی آموخته بلبل الحمدخوان گشته خلیفه کتاب بلبل در مناظره هم می‌گوید:

بلبل گفتا که گل به ز شکوفه است، از آنک شاخ جنببت کش است، گل شه والاجناب شفیعی کدکنی می‌گوید: «بلبل یا عندلیب، همان هزارآوا است یا هزارستان. در کدکن آن را «هزار مقامه» می‌خوانند. از میان پرندگان بلبل مظهر آن دسته از صوفیان است که حق تعالی را در مظاهر جمالی او می‌بینند و نظربازند. برای اینان عبور از این مظاهر و رسیدن به ذات حق امری است ناممکن.» (همان، ۱۷۴) خاقانی در بیت ۱۷ بلبل را الحمدخوان و خلیفه

کتاب معرفی کرده است. صفت مبصر بودن و بالانشینی در استدلال بلبل در دفاع از گل مشهود است. این پرنده جزئی از طبیعت را پسندیده که بالانشین است. قمری: شفیعی کدکنی قمری را وحشی نوشته است. این با استدلال قمری در دفاع از سرو هماهنگ است.

قمری گفتا ز گل، مملکت سرو به کاندک بادی کند گنبد گل را خراب اشاره به ویران شدن گل و چنین پیش زمینه ذهنی در این پرنده هنگام مواجهه با عناصر طبیعت، هماهنگ با این خوی وحشی گری است.

تیهو: نوعی کبک است. کبک در منطق الطیر به دلیل ویژگی خوردن سنگریزه ها و زندگی در کوهستان علاقمند به احجار کریمه تعریف شده است. در منطق الطیر خاقانی او سبزه را برتر می داند.

تیهو گفتا به است سبزه ز سوسن، بدانک فاتحه صحف باغ اوست گه فتح باب تنها ارتباطی که می توان میان علاقه مندی تیهو به سبزه و ویژگی های آن پیدا کرد همان زندگی در محیط فراخ است که با گستردگی سبزه تناسب دارد.

طوطی: «طوق آتشین طوطی ناظر است به رنگ سرخی که در گردن طوطی دیده می شود. یکی از مهمترین نماد پردازی های مولانا نسبت به طوطی، تعبیر آن به روح و جان آدمی است. (راستگو، ۱۴۰۲: ۷۷) انتخاب طوطی - که در پس آینه او را الهام می دهند- با آنچه بر ضمیر سالک از واردات غیبی نازل می شود بسیار مرتبط است و زندگی نامه هر سالکی مجموعه ای از خواطر و الهامات است. سبزی پرهای طوطی او را با خضر - که نقش بسیار مهمی در میان صوفیه و حتی سلسله های مشایخ تصوف دارد- مرتبط می کند و جستجوی جاودانگی را که صوفی از طریق فناء فی... خواستار آن است به یاد می آورد.» (همان، ۱۷۱) خاقانی از زبان طوطی نوشته است:

طوطی گفتا سمن به بود از سبزه، کو بوی ز عنبر گرفت، رنگ ز کافور ناب ارتباطی که می توان یافت این است که طوطی تنها پرنده ای است که برای توصیف عنصر برتر خود، بوی خوش آن را به عنوان ادله ذکر کرده است. بوی خوش، یک ویژگی دور از ظاهر است و با واردات غیبی و الهامات تناسب بیشتری دارد.

هدهد: «همان پوپک یا مرغ شانه به سر است که بر طبق اشارات قرآنی نامه سلیمان را به نزد بلقیس برد. تاجوری هدهد ناظر به صورت ظاهری اوست که بر فرق او تاجی دیده می شود که در نظر عامه مردم به شانه ای می ماند که گاه باز و گاه بسته می شود. تیزوهمی او در شناختن جایی که آب در زیر زمین باشد مشهور است و حکمت یا ضرب المثلی بوده است که

هدهد آب را در زیر زمین می‌بیند و از دیدن دام بر روی زمین عاجز است.» (همان، ۱۷۰) آنچه خاقانی در متن منظره هدهد پرداخته‌است، بیشترین قرابت را با ویژگی‌های این پرنده دارد.

هدهد گفت از سمن نرگس بهتر که هست کرسی جم ملک او و افسر افراسیاب
او در نرگس تخت و تاج پادشاهی می‌بیند برای همین او را برتر دارد.

۲-۳. رساله‌الطیر نجم‌الدین رازی

رساله‌الطیر نجم‌الدین رازی در بین این سه نمونه که مرور شد، منحصره‌فردترین است چرا که تفاوت‌های ساختاری و محتوایی غیر قابل انکاری با نمونه‌های همتای خود دارد. در این رساله که سرشار از مضامین عرفانی و نمادپردازی‌های معنوی است، قصه‌ای روایت می‌شود که هدف نهایی آن بسیار غافلگیرکننده است؛ رازی مدیحه نوشته است. او نه به دنبال کمالات عرفانی است و نه سیمرغ او که او را عنقای مُغرب می‌خواند، نماد خداست. عنقای او جمال‌الدین شرف سلغور، وزیر وقت است. تفاوت منحصره‌فرد دیگر رساله‌الطیر رازی با نمونه‌های مشابه در آن است که او خود نماد تمام رمزها و پرندگان خود را در انتها گشوده است؛ شیوه‌ای که در میان مولفان آثار مشابه بدیع است و خالقان منطق‌الطیور معمولاً اصل ماجرا و لایه‌های عمیق رسالات خود را به مخاطبان صاحب ذوق سپرده‌اند اما رازی چون هدفش صله گرفتن و در زیر سایه وزیر وقت بودن است، رموز منطق‌الطیر خود را می‌گشاید که در این پژوهش مرور خواهد شد.

داستان اثر او از این قرار است که روزی طوطی نزد نویسنده یا راوی می‌آید و از بد روزگار از او شکایت دارد و می‌خواهد که مرغ دل نویسنده نزد سلیمان رود و از او حکم بگیرد که بر اساس آن حکم، عنقای مغرب سرپرستی مرغان را به عهده بگیرد تا آنان از ظلم برهند. مرغ دل نویسنده نزد سلیمان رفته و از طریق هدهد از او حکم می‌گیرد و در هنگام رفتن نزد عنقای مغرب برای ابلاغ حکم، خود نویسنده هدهد سلیمان می‌شود و در این مسیر، باز و کلاغ او را همراهی می‌کنند که پس از مرور رمزگشایی که خود نجم‌الدین رازی نوشته‌است، ویژگی آنان را بررسی خواهیم کرد. در نهایت عنقای مغرب حکم را می‌پذیرد و رازی در پایان رمز نمادهای خود را می‌گشاید که از این قرار است. «چه جای سخن است شرح آفاق و انفس است «اسمعوا و اطیعوا». اول بدان که مرغانی که فریاد خوانان به بالای سرای ما آمدند نه مرغان بودند، ارواح رازیان زیان کار بودند که سوخته و نیازمند خداوند ارجمند شده‌اند و آن طوطی [که] از لب بام در کنار من پرید زبان حال ایشان و قفص‌ها: تن‌ها و دام‌ها: شعبده

روزگار و دست کودکان: رنج ظالمان و چنگال گریگان: بلای عوانان و کبوتر: وهم و دیوان: جاهلان و پری چهرگان: مردمان دانا و زن سیه چرده: خاک و زن سبزارنگ: آب و مرد سپید: باد و مرد سرخ: آتش و هفت بساط: هفت آسمان و باد بساط نورد: حرکت دوران و زنگی بساط نخستین: ماه و دبیر منافق: عطارد و زن بر بطنی: زهره و خسرو نورانی: آفتاب و پهلوان چرخ: مریخ و زاهد پیر: مشتری و هندوی خرف: زحل و سراپرده مرضع: فلک البروج، پرده بی رنگ: لوح محفوظ، پرده دار کریم: سلیمان کبریا-جل جلاله-خاتم: فرمان او، مرغان: فرشتگان، نامه کبوتر: رقعۀ دعای مخلصان، هدهد بازگشته: خاطر من، رحمت: مثال اجابت و کلاغ صدهزار دیده: شب و ستارگان و باز یک چشم: روز و آفتاب و دریا: محیط فضل و عرفان [او] هنرها و ماهیان: عبارت و گوهرها: معانی و جزیره: دنیا و کودکان: مردمان غافل و اژدها: مرگ و ظلمات: فتنۀ گیتی و آب حیات: دانش، کوه قاف: مرتبه دولت و غار که در وی گنج حکمت و طلسمها بود: تشریح البدن و مار: خشم و کیمیا: خرد و عنقای مغرب: خواجه عزیز و خداوند بزرگوار جمال الدین شرف سلغور. «(رازی، ۱۳۶۲: ۱۰۷) پیشنهاد می شود برای فهم بهتر منظور رازی، رساله الطیر او را مطالعه کنید چرا که در این میان حوادث مختلفی اتفاق می افتد که علت مطول بودن رمزگشایی رازی شده است و تعریف آن ها هدف اصلی این متن نیست.

در خصوص نمادپردازی پرندگان، رازی طوطی را زبان حال دردمندان نوشته است؛ انتخاب به جا و شایسته ای که کاملاً متناسب با ویژگی های این پرنده است و همگان بر سخنوری او آگاهند. هدهد که فرمانبر سلیمان است با صفات شاهواری و بالانشینی توصیف شده است. این پرنده همواره نماد صدارت است و این را از ویژگی ظاهر خود که شانه به سر بودن است، دریافت کرده است. رازی هدهد بازگشته را -که منظور وقتی است که راوی به شکل هدهد به بارگاه عنقای مغرب می رود- (خاطر من) نوشته است. او همچنین کلاغ را که هزار چشم دارد، شب و ستارگان نوشته است. این نماد کمی ضعیف قلمداد می شود چرا که کلاغ در ادبیات و نزد عوام نماد مثبتی نبوده است و او را معمولاً هم ردیف صفاتی مثل بدشگونی و دزدی آورده اند. «زاغ در باور عامه مردم ایران به صورت پرنده ای با نماد حسی سیاهی و شومی و در برخی موارد تحقیرآمیز بودن ظاهر شده است.

تمامی باورهای عامیانه مرتبط با زاغ به گونه ای راز آلود هستند. گویی انسان ها در طول دوران مختلف با نوعی ترس آمیخته به احترام به زاغ نگریسته و اعتقاد به نحوست این پرنده تقریباً در همه فرهنگ ها در میان همه ملل وجود داشته است. هرچند، در ایران، پرسروصدا بودن این پرنده منجر شده که آن را پر حرف و زیاده گو تصور کنند. چنین باورهایی احتمالاً مأخوذ از صدای دسته ای از زاغ ها بود که به شکلی تخیلی مثل کلام انسان به نظر می رسید و

نیز از آن‌رو که زاغ‌هایی که در قفس نگهداری می‌شوند قادرند که کلمات را تقلید کنند. همچنین این پرنده به عنوان صفت آدم پرحرف و دزد به کار می‌رود.» (نجفی، ۱۳۹۸: ۱۷۷-۱۷۶) گویی رازی تنها آن را به علت داشتن پرهای سیاه نماد شب آورده‌است. باز سپید یک چشم نیز نماد روز است و آن هم تنها به علت رنگش مشمول چنین صفتی شده‌است.

۲-۴. منطق‌الطیر سنایی

منطق‌الطیر سنایی هم در نوع خود منحصر به فرد است. سنایی بر این باور قدیمی و حکم پذیرفته شده در خصوص اینکه تمام ارکان طبیعت و پرندگان و جمادات و حیوانات خدا را تسبیح می‌کنند^۱ جامه‌ای نو پوشانده و به همین حکم کلی بسنده نکرده‌است. سنایی در منطق‌الطیر خود لحظه‌ای را تصویر می‌کند که پرندگان در حال ستایش پروردگارند و این ستایش گفتن را با ویژگی‌های هر پرنده متناسب پرداخته است البته استثنائاتی هم وجود دارد. «پرندگان در این ابیات مستقیماً به ستایش خدا می‌پردازند و از نعمت‌هایی که خداوند به آنها بخشیده سپاسگزاری می‌کنند، ولی در ابیات آخر و در تسبیح کرکس مخاطب عوض می‌شود.» (بالانی، ۱۳۸۴: ۷۲) از حیث محتوا باید گفت «از دیدگاه سنایی جهان آفرینش، پدیدارگاه پروردگار نیز هست؛ زیرا در غیر این صورت او از رهگذر پدیده‌ها شناختنی نبود.» (محمدی، ۱۳۹۸: ۶۳)

به‌طور کلی درخصوص اشعار سنایی باید گفت «اساس و پیام و هدف سنایی در اشعار خود بر محور توحید و عشق استوار است. خدایی که او می‌جوید خدای یگانه‌ای است که شناخت او جز به او و جز به عنایت او میسر نمی‌شود. طبق جهان‌بینی توحیدی سنایی جهان مخلوق خداوند حکیم و آگاهی است که تمام افعالش روی حساب و برنامه است.» (همان، ۶۷) سنایی حتی وزن شعر خود را نیز متناسب با محتوای شعر خود انتخاب کرده و لزوم تناسب وزن و محتوا را فراموش نکرده‌است. «به‌طور کلی بهر هزج که در دیوان سنایی بسامد بالایی دارد برای این مضمون وزن مناسبی است و با محتوای آن همخوانی دارد. شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که بهر هزج و دیگر بحور آرام و سنگین چنین حالتی را القا می‌کند، دوری هجاهای کوتاه و در پی هم آمدن هجاهای بلند در آن‌هاست.» (دری، ۱۳۹۷: ۹۱) بنابراین «شاعر بهر هزج را برای توصیف انتخاب کرده‌است که البته می‌تواند وزن مناسبی برای این گونه مضامین باشد.» (همان، ۹۱)

^۱ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ / آیه ۱ سوره تغابن

این قصیده ۴۶ بیت دارد و عبادت پرندگان آن از بیت ۱۶ آغاز می‌شود. در این پژوهش ابیاتی که با ویژگی‌های خاص پرندگان پرداخته شده، مرور خواهد شد.

شبگیر زند نعره کلنگ از دل مشتاق وز نعره زدن طعنه زند نعره زنان را
شبگیر صبح زود است و نعره‌زنان شاید اشاره به پرنده‌های دیگری باشد که در صبح زود می‌خوانند. «کلنگ پرنده‌ای است کبود رنگ و دراز گردن بزرگتر از لک لک (برهان) کلنگ یا درنا (درنا کلمه ترکی است).» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۶۷)

آن لکلک گوید که «لَکَ الْحَمْدُ لَکَ الشُّکْرُ!» تو طعمه من کرده‌ای آن مار دمان را
خوراک لک لک مارماهی، قورباغه، خزندگان، پرندگان جوان و پستانداران کوچک است و در بیت هم به خوردن ماران توسط این پرنده اشاره شده است که از ویژگی‌های اوست. همچنین «لَکَ الْحَمْدُ لَکَ الشُّکْرُ» با نام پرنده تناسب دارد. سنایی عبادت لک لک را کاملاً هماهنگ با ویژگی‌ها و حتی نام آن پرداخته است.

قمری نهد از پشت قبای خز و قاقم اکنون که بتابید و بیوشید کتان را
قمری پستاندار گوشت‌خواری است که شبیه راسوست. موهایش خرمایی و زیر شکمش زرد است. در زمستان رنگ موهایش کاملاً سفید می‌شود. دمش همیشه سیاه است و پوستش به گرم بودن و سفید بودن معروف است. در این بیت قمری قبای خودش را از پشت بر زمین می‌نهد و قاقم هم اکنون که لباس سراسر سفیدش را پوشیده است، همینطور.

طاووس کند جلوه، چو از دور ببیند بر فرق سر هدهد آن تاج کیان را
طاووس که پرهای رنگارنگی دارد، وقتی می‌بیند که هدهد تاج پادشاهان را بر سر گذاشته است شروع به جلوه‌گری می‌کند. هم هدهد در ویژگی‌های ظاهری خود تاج دارد و هم طاووس با پرهای زیبایش نماد جلوه‌گری قرار گرفته است.

موسیجه همی گوید: «یا رازق رزاق/ روزی ده جان بخش تویی انسی و جان را.»
«مرغی است شبیه فاخته که بیشتر در خانه‌ها آشیانه می‌سازد. در خراسان امروز آن را موس گتقی می‌خوانند و صدای آن را که شبیه جمله استفهامی «موسی! کوتقی؟» (=موسی! تقی کجاست؟) است وجه این تسمیه می‌دانند.» (همان، ۲۶۹) می‌توان گفت یا رازق رزاق گفتن موسیجه، به دلیل همان آواز شعرگونه او پرداخت شده است.

زاغ از شغب بیهده بر بندد منقار چون فاخته بگشاده به تسبیح زبان را
زاغ از غوغا و فریاد بیهوده دهان می‌بندد چرا که فاخته دهان به تسبیح پروردگار گشوده است. سنایی به سروصدای بیهوده کلاغ اشاره کرده و در توصیف عبادت فاخته از آن وام گرفته است.

پیوسته هما گوید: «یکی است یگانه.» تا در طرف آرد، به هوا بر، ورشان را
همای سعادت می‌گوید خدا یگانه است تا در آسمان کبوتر دشتی یا وحشی را به شادی
وادر کند. حالت معلق زدن پرندگان در آسمان را به شادی تعبیر کرده‌است.

گنجشک بهاری صفت باری گوید کز بوم برانگیزد اشجار نوان را
گنجشک به آواز خود خداوند را تسبیح می‌کند؛ خداوندی که از آن خاک سخت و ناآباد
درختان ضعیف را زنده می‌کند. گنجشک خود ضعیف است و برای بقا محتاج عنایت باری تعالی
است برای همین جلوه‌ای از طبیعت که در آن درختان ضعیف زنده و بارور می‌شوند، نظر او
را جلب کرده و تسبیح خداوند را می‌گوید.

«هو» گوید «هو»، صد بدمی، سرخ کبوتر در گفتن «هو» دارد پیوسته لسان را
کبوتر سرخ صد بار هوهو می‌کند و پیوسته زبان به آوردن نام حق باز می‌کند. انتظار
می‌رود که یقیناً آواز این پرنده به همین شکل باشد.

چَرغان، به سر چنگ، درآورده تذروان تسبیح شده از دهن چرغ مر آن را
چرغ که مرغی است شکاری، تذرو که خروس باغی است را شکار کرده و چون او را در
دهان دارد لحظه‌ای از تسبیح گفتن باز مانده‌است. عبادت این پرنده متناسب با خوی
شکارگری‌اش توصیف شده است.

شارک، چو موزن به سحر، حلق گشاده آن ژولک و آن صعوه از آن داده اذان را
شارک هم مثل موزن شروع به آواز خواندن کرده‌است. برای همین ژولک و صعوه هم اذان
می‌گویند. سنایی به آواز خوانی پرندگان کوچک نظر داشته‌است.

آن شیشک‌کان شاد، از این سنگ بدان سنگ پاینده و پوینده مر آن پیک دوان را
شیشک پرنده‌ای شبیه کبک است. کبک‌ها در کوهستان‌ها زندگی می‌کنند و غذایشان
سنگریزه است. سنایی از این سنگ به آن سنگ را برای همین پرداخته‌است.

آن کبک مرقع سلب برچده دامن از غالیه غل ساخته از بهر نشان را
کبک خاکی‌رنگ است و طوق سیاه و نوک و پا و زیر گلوی قرمز دارد؛ انگار که لباسش
تکه‌تکه است. مرقع هم لباس تکه‌تکه است. کبک لباس مرقع پوشیده و برای نشاندار شدن
انگار که از غالیه برای خود غل‌وزنجیر ساخته‌است. این توصیف کاملاً شبیه ویژگی‌های ظاهری
این پرنده است.

در خوید، چنین گوید کرک که «خدایا! تو خالق خلقانی صد قرن قران را.»
در میانه آواز بلدرچین صدایی شبیه (ق) شنیده می‌شود. واج آرای (ق) و (خ) در این
بیت به این علت است.

گویند تذروان که «تو آنی که بدانی راز تن بی‌قوت و بی‌روح و روان را

آن باز چنین گوید: «یارب! تو نگهدار بر امت پیغمبر ایمان و امان را.»
 آن کرکس با قوت گوید که «به قدرت جبار نگهدارد این کون و مکان را.»
 بنگر که عقاب از پی تسبیح چه گوید: «آراسته دارید مر این سیرت و سان را!»
 در این ابیات به عبادت پرندگان قدرتمند یعنی تذرو، باز، کرکس و عقاب اشاره شده که هر چهار تن هم به صفات قاهره و قدرت خداوند اشاره می‌کنند.

بلبل چه مُذْکَر شده و قمری قاری! برداشته هر دو شغب و بانگ و فغان را
 بلبل و قمری هر دو به صفت آوازخوانی مشهورند. در این بیت نیز واعظ و قرآن‌خوان توصیف شده‌اند.

آید به تو، هر پاس، خروشی ز خروسی کای غافل! بگذار جهان گذران را!
 از بیت ۴۰ تا انتها خروس نصیحت می‌کند. محتوای اصلی نصایح او پرهیز از غفلت است. خروس با بانگ صبحگاهی مردمان را از خواب بیدار می‌کند و به همین علت در حسن ختام این قصیده، مخاطبان شعر را از خواب غفلت انداز می‌دهد.

۴. نتیجه‌گیری

نماد و رمز، گونه‌ای از بیان است که حاوی مفهوم و حقیقتی غیرمحسوس است و به گوینده این اجازه را می‌دهد که از محدودیت زبان حسی خارج شود. (راستگو، ۱۴۰۲: ۷۱) نمادپردازی و نوع جان‌بخشی به حیوانات، عنصری است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و حال به خوبی دریافت می‌شود که خاقانی به دلیل داشتن تبحر فوق‌العاده در وصف، چگونه توصیفات ظریفی را در خلال پردازش مرغان منطق‌الطیر خود به کار برده‌است. همچنین هدف غایی او که مدح حضرت رسول^(ص) است، با انتخاب گل محمدی به‌عنوان جزء برتر طبیعت، همین تکامل در وصف را اثبات می‌نماید. در مقابل او سنایی است که در زبان مرغان خود قصه‌ای تعریف نمی‌کند و تنها عبادت پرندگان را تصویر کرده اما همچون استواری تمام قصاید بی‌بدیش، هر عبادت را متناسب با ویژگی‌های پرنده‌های مختلف، پرداخته‌است. نجم‌الدین رازی نیز که مدیحه‌نویسته، همچون دو شاعر دیگر این پژوهش، خیلی در بند شخصیت‌پردازی نیست و حتی حاصل کار را نیز به مخاطب تیزهوش واگذار نکرده‌است. این نوع پرداخت نتیجه هدف او از نوشتن رساله‌الطیرش است. درواقع باید گفت؛ از مقایسه این سه اثر به خوبی دریافت می‌شود که چگونه تفاوت در هدف و انگیزه تالیف، همچنین تفاوت آشکار در عقاید و جهان‌بینی مولفان، بر تک‌تک عناصر یک متن اثرگذار است.

در پایان به دیگر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که به عنوان موضوع پژوهش، نگاهی به تاریخچه نگارش زبان مرغان در ادب فارسی داشته باشند؛ چرا که با وجود تعدد و تنوع آثار، پژوهشی که به این سیر تطور نظم بدهد، در دست نیست. همچنین می‌توان هر دو یا چند رساله‌الطیر دیگر شاعران و نویسندگان را از منظر نمادپردازی، یا هر منظر و زمینه‌ای که به زعم پژوهشگر می‌رسد، با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد. واکاوی علت اینکه چرا اکثریت زبان مرغان در یک بازه زمانی خاص تالیف شده نیز، موضوع جالب توجهی برای پژوهش است.



کتاب‌شناسی

قرآن کریم

- امین مقدسی، ابوالحسن و افتخاری، زینب (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی مدایح نبوی در دیوان بوسیری و خاقانی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱-۲۳
- بالانی، پیوند (۱۳۸۴)، «مقایسه تطبیقی منطق الطیر سنایی، خاقانی و عطار»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، دوره ۹، شماره ۹۶، صص ۶۶-۷۵
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۰)، *گزیده حدیقه الحقیقه*، تهران: اساطیر.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۴)، *مبانی عرفان و احوال عارفان*، تهران: اساطیر
- دری، نجمه و رضایی، سمیه (۱۳۹۷)، «بررسی میزان هماهنگی وزن و محتوا در اشعار حکیم سنایی»، *فنون ادبی*، دوره ۹، شماره ۲۲، صص ۸۵-۹۸
- راستگو، علی (۱۴۰۲)، «واکاوی نگاه عرفانی مولانا به نماد طوطی در غزلیات شمس»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۲، شماره ۳، صص ۷۱-۹۷
- ریاحی، محمدامین (۱۳۸۸)، *گزیده مرصادالعباد*، تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *صدای بال سیمرغ*، تهران: سخن.
- سجادی، سیدضیاءالدین (۱۳۹۲)، *گزیده اشعار خاقانی شروانی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- سجادی، سیدضیاءالدین (۱۳۷۳)، *شاعر صبح*، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *تازیانه‌های سلوک*، تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۹)، *منطق الطیر*، تهران: سخن.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۵)، *تاریخ ادبیات ایران جلد اول*، تهران: ققنوس.
- غنی، قاسم (۱۴۰۰)، *تاریخ تصوف در اسلام*، تهران: زوار.
- فتوحی، محمود (۱۴۰۱)، *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- کزاری، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)، *رخسار صبح*، تهران: مرکز.
- محمدی ده چشمه، حمزه و جهاندار، مژگان (۱۳۹۹)، «جلوه‌های توحیدی و مراتب آن در دیوان حکیم سنایی»، *معرفت*، دوره ۲۸، شماره ۲۲۸، صص ۵۹-۶۹
- موسوی، سیده‌زهرا و ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۲)، «نقد و تحلیل شیوه‌های تاثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی»، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، دوره یک، شماره یک، صص ۹-۳۱
- نجفی، علی و ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۹۸)، «سه پرنده شوم (جغد، زاغ و کرکس) در رباع مسکون، در باور عامه»، *فصلنامه پاژ*، دوره ۱۱، شماره ۳۵، صص ۱۸۶-۱۶۹
- همدانی، خواجه یوسف و رازی، نجم‌الدین (۱۳۶۲)، *رتبه الحیات به ضمیمه رساله الطیور*، تهران: توس.

Comparing the Risale-i-Al-Tayr of Khaghani, Sana'i, and Najm al-Din Razi from the Perspective of Bird Symbolism

Sayeh Barin

۱. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sayehbarin1379@gmail.com

Article Info (۱۵۱-۱۶۸)	ABSTRACT
Article type: Research Article	Before Attar, various poets and writers had attempted to compose works on the language of birds. The vast majority of these works were composed around the late fifth to early seventh centuries, and despite the many commonalities that the composition of this type of work requires, there are also obvious differences among them. One of these differences is in the way birds are symbolized.
Article history:	In this study, which was conducted using a descriptive-analytical method and library resources, the Risale-i-Tayr of Khaqani, Sanai of Ghaznavi, and Najm al-Din Razi are compared from the perspective of bird symbolism because differences were observed in their presentation, final goal, and descriptions that made them susceptible to being compared in the present study. In this study, it was found that how the difference in the perspective and purpose of writing these works ultimately led to differences in the symbolism of birds. The Risale-i-Tayr of Khaqani includes unique descriptions and leads to the praise of the Prophet (PBUH). Sanai, with the focus on monotheism, depicts the scene of bird worship, and Najm al-Din Razi wrote a eulogy of the minister of the time through the language of birds, meaning that the style of each poet also had a special importance in the uniqueness of his language of birds, which has been reviewed in this study.
Received: ۲۶/۰۶/۲۰۲۴	
Accepted: ۲۵/۰۱/۲۰۲۵	
Keywords: Khaqani Sanai Najm al-Din Razi Mantiq al-Tayr Symbolism	